



مرکز جهانی علوم اسلامی

مدرسه عالی فقه و معارف اسلامی

بیان نامه کارشناسی ارشد

رشته فقه و معارف اسلامی

عنوان:

# نقد اخلاق سکولار بر مبنای اخلاق اسلامی

استاد راهنما:

آقای امیر خواص

استاد مشاور:

حجه الاسلام و المسلمین علی پاکپور

دانش پژوه:

عبدالحمید ناصری

سال ۱۳۸۴

کتابخانه جامع مرکز جهانی علوم اسلامی

نمبارہ ثبت: ۴۳۰

تاریخ ثبت:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تقدیم به :

«وَقُلْ رَبِّ أَرْحَمُهُمْ أَمْ رَبِّي أُنْفِئُ صَغِيرًا»

پروردگارا : بر پدر و مادرم رحمت نازل فرما و آنان را بیخس و از الطاف بیکران خویش بهره مندشان ساز، چرا که آنان مرا در کودکی تربیت نمودند .  
اینک با سپاس فراوان از زحمات آن دو وجود گرامی ، این هدیه کوچک را به آنان و به آوازگر سرود «وحدت» علم و ایمان و مشعل دارِ صراطِ حقیقت و طلایه دارِ کاروان فضیلت، حضرت امام خمینی رضوان الله علیه تقدیم می نمایم تا یاد و نامشان را زنده نگهدارم .

امیدوارم که خداوند متعال به لطف و کرم خود مورد قبول قرار دهد .

## تقدیر و تشکر:

با سپاس فراوان به بارگاه مقدس حضرت حق و درود و سلام پروردگار متعال به ارواح مطهر و مقدس شهداء و علمای بزرگواری نثار باد، که از دوران معصومین (ع) تا به امروز پاسداران حریم اعتقادات دینی و حدود الهی بوده اند، آنان که با خون مطهر و مرگب قلمشان در راه ترویج معارف اسلامی و مبارزه با بدعت‌ها و کج اندیشی‌ها و احیای سنت‌های نبوی و علوی، شجاعانه تلاش کرده از هیچ کوششی در این راه دریغ نورزیدند. و با تشکر از مسئولین محترم مرکز جهانی علوم اسلام و مدرسه مبارکه حجتیه که این فرصت را برای طلاب غیر ایرانی فراهم آوردند که در این زمینه با تلاش خود بتوانند از دین مبین اسلام پاسداری کنند. و با تشکر از استاد محترم جناب آقای امیرخوای که در این تحقیق زحمت کشیده و با راهنمایی خود به بنده کمک کردند و همچنین از آقای علی پاکپور که مسئولیت مشاورت بنده را بعهده داشتند.

## چکیده

در ابتداء برای اینکه بیان شود که سکولاریزم، خواه نسبت به دین و سیاست باشد و خواه نسبت به دین و اخلاق، سرنوشت محتوم جوامع بشری نیست بلکه راه‌های دیگری هم وجود دارد تا جوامع بشری را اداره کند، در فصل اول خود سکولاریزم و مفاهیم که پیوند خاصی با این واژه دارد را تعریف کردیم تا که معلوم شود سکولاریزم هم همانند سوسیالیسم و امثال آن است که جامعه بشری هیچ نیازی به این جور تفکرها نداشته است. هرچند سکولاریستها هم مثل سوسیالیستها ادعا دارند که تاریخ بشری نهایتاً به سکولاریسم خواهد انجامید ولی حقیقت این است که سکولاریزم هم مثل مفاهیم دیگر مفهومی ناسنجیده و غیر علمی سیاسی شده است. لذا در این فصل ریشه و منشاء سکولاریزم و مبانی آن را ذکر کرده‌ایم تا که روشن شود که برخلاف تلاش برخی از نظریه پردازان که این تفکر را معلول علم جدید و دستاوردهای آن در زمینه شناخت طبیعت و رشد تکنولوژی جلوه دهند، انقلاب جدید تنها در حد یک علت معدّ و زمینه ساز برای سکولاریزم محسوب می‌شود نه عامل و علت اصلی، علت اصلی سکولاریزم را باید در فلسفه الهیات و تعلیم دینی مسیحیت، اخلاق و روشها و سیاستهای حاکم بر کلیسا جستجو کرد. در همین فصل بیان شده است که این واژه با مرور زمان تحولات زیادی پیدا کرده است. اولین بار این لفظ برای تفکیک و ترخیص کشیشان به کار برده شده بعد از آن در معاهده وستفالی و بعد در تفکیک دین و سیاست به همین طریق جدیدترین معنای سکولاریزم که امروزه فلاسفه سکولار و تجربه گرا مبلغ آن هستند، طرد آموزه‌های فراطبیعی در حوزه عمومی است که گوهر ادیان را بنا می‌نهد. در بیان مبانی سکولاریزم به این نکته توجه داده است که ضعف و کاستیهای که آئین مسیحیت داشت، بویژه اینکه این مکتب فاقد قانون و آئین حکومتی بود و علاوه بر آن از نظر الهیات یک دسته عقاید خلاف عقل مانند تثلیث و گناه ذاتی و مانند آن به عنوان اعتقادات دینی مسیحی به رسمیت شناخته شده بود، دین‌باوران مسیحی متوجه شدند که این آئین با کاستیهایی که دارد نمی‌تواند جواب‌گویی نیازهای اجتماعی و سیاسی جدید باشد از این رو اعلام کردند که دین تنها برای ارتباط انسان با خدا و آخرت آمده است و در امور اجتماعی یا سیاسی ضرورتی نیست که به آن مراجعه شود بدین سان اندیشه سکولاریزم شکل گرفت.

در فصل دوم با بیان تعریف اخلاق اسلامی به مبانی اخلاق اسلامی هم اشاره شده است که تمام تلاشها از جمله اعمال اخلاقی باید در جهت الهی باشد زیرا خداشناسی و توحید چنانچه پایه دین است، سنگ اول انسانیت و اخلاق نیز هست و انسانیت بدون آن معنی ندارد. این شناخت پشتوانه همه مفاهیم و ارزشهای اخلاقی است که انسان با علم و عقل خویش قادر به درک آنها نیست و آخرت باوری که زمینه‌ساز آراسته شدن به صفات ماندگار و جاودانه است لذا نبوت و معاد را هم از مبانی اخلاق اسلامی قرار داده است و در این فصل هدف اخلاق و اصول موضوعه اخلاق و همین طور اساس ارزش اخلاق اسلامی هم بطور اجمال ذکر شده است.

و در فصل سوم از اخلاق سکولار تعریف کرده زمان پیدایش اخلاق سکولار را از دوره رنسانس ذکر کرده است و بعد گامهای پیدایش اخلاق سکولار را بیان کرده از اشکالاتیکه از طرف سکولارستها بر اخلاق دینی شده است پاسخهایی گفته است و در فصل آخر هم مقایسه‌ای بین اخلاق سکولار و اخلاق اسلامی انجام گرفته نکات ضعف اخلاق سکولار و مزیت اخلاق اسلامی بیان شده است.

## فهرست مطالب

۱	مقدمه
۲	هدف تحقیق
۳	پیشینه تحقیق
۴	فصل اول تعریف سکولاریزم یا عرفی شدن
۵	تعریف سکولاریزم:
۵	معنای لغوی
۶	معنای اصطلاحی
۷	رشنالیسم و خردبسندهی
۸	سیانتیسم (Seientism)
۸	آته ایسم
۸	لیبرالیسم و رواننگاری
۹	لایسم از لاییک:
۹	فرق میان کلمه سکولاریزم و سکولاریزاسیون
۱۱	سیر تحول سکولاریزم
۱۱	۱- تفکیک و ترخیص کشیشان
۱۲	۲- معاهده وستفالی (Westphali)
۱۲	۳- تفکیک دین و سیاست
۱۳	۴- تفوق دولت بر کلیسا
۱۳	۵- حذف و تقلب دین
۱۳	۶- طرد دین و آموزه‌های طبیعی
۱۴	پیشینه سکولاریزم در مسیحیت

۱۵	..... فلسفه مسیحیت
۱۷	..... مبانی سکولاریزم
۱۸	..... مبانی دینی
۱۸	..... الف) انجیل و حکومت
۲۲	..... ب) الهیات دگماتیسم یا جزم گرایی
۲۸	..... مبانی تاریخی و اجتماعی سکولاریزم
۲۸	..... ۱) فساد مالی
۲۹	..... ۲) فساد اخلاقی
۳۰	..... ۳) سستی ایمان
۳۰	..... ۴) مناقشات و شورش فرمانروایان
۳۱	..... ۵) دادگاه‌های تفتیش عقاید
۳۲	..... مبانی نظری و معرفتی سکولاریزم
۳۲	..... الف) تئوری الهی حکومت
۳۳	..... ب) فلسفه سیاسی مردم سالاری
۳۴	..... ج) علم پرستی (ساینتیسم) Scientism
۳۵	..... د) انسان مداری Humanism
۳۶	..... ه) ناسیونالیسم Nationalism
۳۷	..... و) تجدد و مدرنیسم
۳۹	..... فصل دوم تعریف اخلاق اسلامی
۴۳	..... مبانی اخلاق اسلامی
۴۳	..... خداشناسی
۴۴	..... توحید
۴۶	..... نبوت
۴۷	..... معاد
۴۸	..... کرامت انسانی
۵۰	..... هدف اخلاق
۵۱	..... هدف اخلاق رسیدن انسان به کمال خویش است
۵۳	..... حقیقت انسان
۵۴	..... الف) انسان موجودیست مختار

- ۵۵..... (ب) انسان دارای مطلوب نهایی است
- ۵۷..... (ج) فعل اختیاری انسان در وصول به هدف مؤثر است
- ۵۹..... اساس ارزش اخلاقی در اسلام
- ۶۳..... انگیزه و نقش آن در فعل اختیاری
- ۶۵..... نیت از دیدگاه اسلام
- ۶۸..... رابطه ایمان و ارزش اعمال
- ۷۰..... فصل سوم نقد و بررسی اخلاق سکولار
- ۷۱..... مبانی اخلاق سکولار
- ۷۱..... الف) اومانیسم و نقد اومانیسم (Humanism)
- ۷۴..... ب) عقل گرایی و نقل عقل گرایی (Rationalism)
- ۷۷..... ج) لیبرالیسم و نقد لیبرالیسم (Liberalism)
- ۷۲..... پیدایش اخلاق سکولار از دوره رنسانس
- ۸۰..... گامهای پیدایش اخلاق سکولار
- ۸۱..... معانی چهارگانه پشتوانه بودن دین برای اخلاق
- ۱۰۳..... فصل چهارم مقایسه اخلاق سکولار و اخلاق اسلامی
- ۱۰۴..... تفسیر انسان از دیدگاه اسلام و سکولاریزم
- ۱۰۵..... خدا محوری انسان در تفسیر اسلامی
- ۱۰۷..... آزادی اخلاقی در اندیشه سکولاریزم
- ۱۱۲..... آزادی اخلاقی در اندیشه اسلامی
- ۱۱۴..... اخلاق اسلامی نزدیک تر شدن انسان به خود
- ۱۱۵..... اخلاق سکولار باعث بیگانگی انسان از خود
- ۱۱۶..... نیازمندیهای دین به اخلاق
- ۱۱۸..... نیازمندیهای اخلاق به دین
- ۱۱۴..... فهرست منابع



## مقدمه

اگرچه عصر حاضر از یک نظر عصر فن آوری و انفجار اطلاعات نامیده شده است و از این لحاظ پیشرفته ترین عصر محسوب می‌شود، اما از نگاهی دیگر از لحاظ معنویت و ارزشهای اخلاقی، بشریت دچار بحران و انحطاط اخلاقی شده است. با دستیابی انسان به فن آوری‌های جدید عده‌ای گمان کردند که با خارج کردن دین از صحنه زندگی اجتماعی و دنیوی می‌تواند جامعه را اداره کند، و طرفداران این تفکر درباره اخلاق هم همین نکته را مطرح کردند که می‌توان اخلاق بدون دین را هم سامان داد. و لازم نیست در ارزشهای اخلاقی از ادیان پیروی کنیم. و این تفکر آنچنان در دنیا تبلیغ شده است که حتی در برخی از دانشمندان اسلامی هم تأثیر گذاشته است. همان تفکری که به تفکر سکولار معروف شده است، لذا در این تحقیق تلاش شده است که با برشمردن نقاط ضعف این تفکر مبانی و اصول آن را بر مبنای اخلاق اسلامی نقد کرده مزیت و برتری اخلاق اسلامی را تبیین نماییم.

## هدف تحقیق

از آنجا که اخلاق بعنوان یکی از اموری که ریشه در تمامی ادیان دارد و در کنار دین یکی از ارکان اصلی فرهنگ و تمدن بشری را تشکیل می‌دهد و از سوی دیگر در عرصه اجتماع گونه‌های متعددی از اصول و مکاتب اخلاقی ارائه می‌شود، لذا برای روشن شدن نقاط قوت اخلاق دینی بویژه اخلاق اسلامی و نقاط ضعف اخلاق سکولار که اخلاق فارغ از دین و به نوعی فارغ از خداست تحقیق مستقلی ضرورت می‌یابد. تا که ضعف و بطلان مبانی اخلاق سکولار، و ضرر و زیان آن برای جامعه بشری و برای مردم بویژه جوانان روشن گردیده حقانیت اخلاق دینی بخصوص اخلاق اسلامی اثبات شود تا زمینه‌ای باشد که هر چه بیشتر اخلاق اسلامی در جوامع بشری جایگاه شایسته خود را پیدا کند.

## پیشینه تحقیق

هر چند درباره ماهیت سکولاریسم، ریشه، مبانی و عوامل پیدایش آن کتابها و مقالات زیادی نوشته شده است ولی درباره اخلاق سکولار با ذکر مبانی و اصول آن در جوامع اسلامی کمتر بحث به میان آمده است هر چند برخی به اجمال متذکر شده‌اند که با قائل شدن به جدائی دین از سیاست نمی‌توان اخلاق و ارزشهای اخلاقی را حفظ کرد و بنابراین تفکر که می‌توان با حذف دین از عرصه سیاست، اخلاق و ارزشهای پایدار و مستحکمی داشت خیالی بیش نیست.<sup>۱</sup> چنانچه مرحوم علامه محمد تقی جعفری هم در یکی از تحقیقات خودش به همین مطلب اشاره کرده است.<sup>۲</sup>

برخی از صاحب نظران متذکر شده‌اند که اخلاق به معنایی که در مکتب‌های مختلف مطرح می‌شود بگونه‌ای نیست که همیشه متوقف بر پذیرش دین باشد، اخلاقی که مبتنی بر اصالت لذت، اصالت نفع و غیره باشد، هیچ توفقی بر دین ندارد.

بنابراین نمی‌توان اصل امکان تحقق اخلاق سکولار را نفی کرد اما اخلاقی که انسان را

به کمال نهایی برساند، بدون دین امکان پذیر نیست.<sup>۳</sup>

---

۱ - مسعود امید، درآمدی بر فلسفه اخلاق، ص ۴۶

۲ - محمد تقی جعفری، قیاسات، ش ۱ دوره ۱

۳ - محمد تقی مصباح فلسفه اخلاق، ص ۸۳

**فصل اوّل**

**تعریف سکولاریزم**

**یا عرفی شدن**

مفهوم و ماهیت این واژه تابعی است از جوهرهٔ دین اگرچه مهم و اساسی بودن جنبه‌ای و بعدی از این مفهوم از نظر نظریه پردازان در این امر بی دخل نبوده است، بدین معنا که در قالب تعریف، دسته‌ای از آنها بر «عوامل» پدید آورنده و معد این فرایند تأکید کرده‌اند. و دسته‌ای به توصیف و تشریح خود «فرایند» پرداخته‌اند و بالاخره عده‌ای نیز به نتایج و پیامدهای آن اشاره نموده‌اند.

لذا در شناخت دقیق این پدیده و دستیابی به یک تعریف دقیق و واقع‌نما از آن، باید به ریشه لغوی و تاریخی این مفهوم توجه داشت.

### تعریف سکولاریزم:<sup>۱</sup>

#### معنای لغوی

از لحاظ لغوی، واژه سکولار<sup>۲</sup> Secular برگرفته از اصطلاح لاتینی Seculum یا Secularum به معنی قرن یا سده است و از آن تعبیر به زمان حاضر و اتفاقات این جهان در مقابل ابدیت و جهان دیگر شده است.<sup>۳</sup>

سکولاریزم در فرهنگ غرب در معانی مختلفی از قبیل «جدا انگاری دین و دنیا»، «غیر مقدس و غیر روحانی»، «عقلانیت»، «علم گرایی»، «نوگرایی مدرنیسم» به کار می رود. واژه لاتینی آن یعنی سکولوم (Seculum) بمعنای قرن و سده است.<sup>۴</sup>

1 - Secularism: the belief that religion should not be involed in the organization of society (oxford dictionary, p. 155, secu.

2 - 1) Secular: not connected with spritual, or religious, matter.

2) Living Among Ordinary people rather then in a religious community (oxford dictionary, p. 1155, secu.

۳ - غلیرضا، شجاع رند. عرفی شدن تجربه مسیحی و اسلامی، ص. ۵۵.

۴ - محمدحسن قدردان، قراملکی، سکولاریزم در مسیحیت و اسلام، ص. ۱۳.

سکولاریزم یعنی مخالفت با شرعیات و مطالب دینی، روح دینداری، طرفداری از دنیوی و عرفی، ماده سکولار وابسته به دنیا، غیر روحانی، غیر مذهبی، عامی، عرفی، بیسواد، خارج از صومعه، مخالفت شرعیات و طرفدار دنیوی شدن امور.<sup>۱</sup>

### معنای اصطلاحی

سکولاریزم: «جدا انگاری دین و دنیا» و «جدائی دین و سیاست»<sup>۲</sup>

از نظر بعضی از محققین سکولاریزم در اصطلاح به معنای هر چیزی است که به این جهان تعلق دارد و به همان اندازه و به طور غیر مستقیم از خداوند و الوهیت دور است.<sup>۳</sup>

ایدئولوژی سکولاریزم با یک سلسله اصول و ارزشهای پذیرفته شده در فرهنگ مغرب زمین مانند:

اومانیسم و انسان خدا انگاری، رشنالیسم و خردبسندهی، سیانتیسم و علم زدگی، آتئیسم و اصالت ماده، لیبرالیسم و روانگاری، پیوند وثیق دارد، آنچنان که بدون عنایت به تعاریف هر یک از آنها فهم درست این ایدئولوژی میسر نخواهد بود.

### اومانیسم<sup>۴</sup>

اومانیسم یعنی انسان گرایی، اصالت بشر، انسان مداری.

۱ - محمد تقی جعفری. فلسفه دین. ص. ۲۳۳.

۲ - عبدالله، جوادی آملی. نسبت دین دنیا. ص ۸

۳ - محمد حسن قد قدرتدان قرآنکی. سکولاریزم در مسیحیت و اسلام. ص. ۱۳ و علی ربانی گلبایگانی. ریشه ها و نشانه های سکولاریزم. ص. ۸

۴ - Humanism: A – System of thought that considers that solving human problems with held of reason is more important then religious belief (Oxford dictionary. p. 634)

در اصطلاح به بالیدن انسان به خود و تقدیم فهم و شناخت خویش بر معرفت های دیگر، گفته می‌شود. این طرز تفکر موجب تفسیر به رأی متون در (اولین گام)، ادعای استقلال در وضع قانون و تکلیف و غنا از شریعت الهی می‌شود.<sup>۱</sup>

اومانیسم نخستین صورت امری بود که به شکل نفی روح دینی در عصر جدید درآمد بود. و چون می‌خواست همه چیز را به میزان بشری محدود سازد، بشری که خود غایت و نهایت خود قلمداد شده بود، سرانجام، مرحله به مرحله به پست‌ترین درجات وجود بشری سقوط کرد.<sup>۲</sup>

### رشنالیسم و خردبستگی

رشنال<sup>۳</sup>: ۱ - عقلانی، عقلی، فکری.

۲ - منطقی، بخردانه، تعقلی، خردآمیز، استدلالی، خردپذیر، عاقلانه، خردمندانه.<sup>۴</sup>

رشنالیسم<sup>۵</sup>: (Rationalism) فلسفه خودگرایی، اصالت عقل، منطقی بودن پیروی از عقل

در اصطلاح، اعتقاد به بی‌نیازی بشر از هدایت‌های آسمانی در ساخت و اداره جامعه

خویش، بسندگی عقل یعنی حجیت عقل و برهان در مسائل متنازع فیه<sup>۶</sup> است.

۱ - حسن قدردان، قراملکی. سکولاریزم در مسیحیت و اسلام، ص، ۱۰۳.

عبدالله. جوادی آملی. نسبت دین و دنیا، ص، ۵۲.

۲ - رضا، داودی، مجله خوزه و دانشگاه، ش ۶، ص ۷۵.

۳ - Rational: the Principle or reasons which explain a particular, dicision cours action belief etc. Oxford dictionary. p. 1051, rat.

۴ - فرهنگ جامع آریان پور کاشانی. ص ۴۲۲۰.

۵ - Rationalism: the belief that all the behaviour, opinions. etc should be bassed on reason rather then onemotions or religuons belief. Oxtord dictionary. P. 1051, rat.

۶ - علی رضا شجاعی زند، عرفی شدن در تجربه مسیحی و اسلامی، ص ۱۳۵.

## سیانتیسم (Seientism)

این واژه در فرهنگ لغت بمعنای علم گرائی، علمی گری، مکتب اصالت علم و چیست گرائی می باشد.<sup>۱</sup>

در اصطلاح به معنی علم پرستی یعنی تکیه بر علوم تجربی و علوم اجتماعی و معارف بشری<sup>۲</sup> است طبق این عقیده مجموعه علوم و معارف بشری، به ویژه علوم تجربی برای تدبیر و اداره جامعه کفایت می کند و نیازی به احکام شرعی و دستورات دینی نیست.

## آته ایسم

آته ایسم<sup>۳</sup> و اصالت ماده: (Atheism) یعنی انکار وجود خدا، بی اعتقاد به وجود پروردگار آته ایست<sup>۴</sup> یعنی ملحد<sup>۵</sup>

این طرز تفکر به هیچ دینی در تمام شئون زندگی قائل نمی باشد.

## لیبرالیسم و روانگاری

لیبرال (Liberal) در اصل به معنی درخود آزادگان، سزاوار آزاد مردان، آزاد ساز، رهائی بخش.

لیبرالیسم: (Liberalism) آزاد منشی، وارستگی، آزادگی، راوی. (فرقه های پروتستان) هوا داری تفسیر آزادانه تر و غیر سنتی تر از انجیل<sup>۶</sup>

۱ - فرهنگ جامع آریان پور کاشانی. ص ۴۵۴۲. ماده. Sei

۲ - همان. دکتر همایون، قیسات «اندیشه دینی سکولاریزم در جهان معاصر» دوره اول. ص ۱۰۰.

۳ - Atheism: the belief that god does not exist.

۴ - Atheist: a person who believes that god does not exist. (Oxford dictionary. p. 64,ath)

۵ - محمد تقی. جعفری، فلسفه دین. ۲۳۴.

۶ - فرهنگ جامع آریان پور کاشانی. ص ۳۰۲۰. ماده. Lib



در اصطلاح به معنای رهایی و آزادی انسان از هر گونه قید و بندی است.

انسان لیبرال انسانی است که آزادی خود را بر هر چیز مقدم می‌دارد.<sup>۱</sup>

### لایسم از لایک:

لایک: (Laic) دنیوی، غیر معمم، غیر کشیش، غیر روحانی، وابسته به غیر

کشیشیان

لایسم: (Laicism) (این سیاست: مخالفت با حکومت روحانیون و هوادار محدود

کردن حکومت به اشخاص غیرروحانی) غیر روحانی گرائی، ناکشیش گرایی.

وابستگی به شخص دنیوی و غیر روحانی، خروج از مسلک روحانیون، دنیوی، آدم

خارج از مسلک روحانیون.

در اصطلاح لایک یعنی تفکیک دین از سیاست.<sup>۲</sup>

لایسم از موارد و مصادیق سکولاریسم می‌باشد زیرا تفکیک دین از سیاست اخص

از سکولار و سکولار اعم از لایک می‌باشد، این طرز تفکر دین را به طور کامل نفی

نمی‌کند، بلکه آنرا از امور و شئون زندگی دنیوی و مخصوصاً از سیاست تفکیک می‌نماید

برخلاف آئیسم که دین را بطور کامل نفی می‌کند.

### فرق میان کلمه سکولاریزم و سکولاریزاسیون

سکولاریزم: Secularism: این اصطلاح بیان کننده نوعی تفکر است که بر اساس آن

به دنیا و امور دنیوی از زاویه‌ای مستقل از دین نگریسته می‌شود، در تعریف سکولاریزم

۱ - حسن قدردان قراملکی. سکولاریزم در مسیحیت و اسلام، ص ۱۰۱.

۲ - فرهنگ جامع آریان پور کاشانی، ص ۲۹۳۵، ماده Lai.

۳ - محمد تقی جعفری: فلسفه دین، ص ۲۳۴.

۴ - عبدالله. جوادی آملی، نسبت دین و دنیا، ص ۱۷.

گفته‌اند (اعتقاد به اینکه قوانین آموزشی و امور اجتماعی باید بیش از آنکه بر مذهب استوار باشد، بر داده‌های علمی بنا شود.<sup>۱</sup> چنین تعریفی با کلمات انگلیسی که به پسوند ism ختم می‌شوند انطباق دارد زیرا پسوندهای ism در انگلیسی و (گرائی) در فارسی بیانگر نوعی گرایش و تعلق خاطر ایدئولوژیک است.<sup>۲</sup>

سکولاریزاسیون: Secularisation: این واژه بیان‌کننده روندی است که در آن به تدریج «عمل اجتماعی» و «نهادهای اجتماعی» از دین و حاکمیت مفاهیم ماوراء طبیعی فاصله می‌گیرد و جداگانه عمل می‌کند.

اگر بخواهیم سکولاریزاسیون را به اجمال تعریف کنیم، می‌گوییم: فرایندی است که طی آن وجدان دینی، فعالیت‌های دینی و نهادهای دینی، اعتبار و اهمیت اجتماعی خود را از دست می‌دهد، و این بدان معنا است که دین در عملکرد نظام اجتماعی به حاشیه رانده می‌شود!

توجه به لغاتی که به پسوند ation ختم می‌شوند این مطلب را و یا این تعریف را تأیید می‌کند، چون در زبان انگلیسی کلماتی که به پسوند ation و در فارسی به «شدن» ختم می‌شوند بیانگر یک صیروت فرا ارادی با همان مضمون که در این اصطلاح منظور نظر است، می‌باشد<sup>۳</sup> البته باید توجه داشته باشید که خود انسانها هم می‌توانند در روند سکولار کردن جامعه و... نقش ایفا کنند فقط صیروت فرا ارادی نیست.

---

۱ - The belief that law, Education should be based on facts sciences rather than religion.

۲ - علیرضا شجاعی زند، عرفی شدن در تجربه مسیحی و اسلامی، ص ۵۷.

۳ - علیرضا شجاعی زند، عرفی شدن در تجربه مسیحی و اسلامی، ص ۵۷.

ویلسون درباره تفاوت این دو چنین می‌گوید:

«سکولاریزاسیون اساساً به فرایندی از نقصان و زوال فعالیت‌ها، باورها، روش‌های اندیشه و نهادهای دینی مربوط است که عمدتاً با سایر فرایندهای تحول ساختار اجتماعی یا به عنوان پیامد ناخواسته یا ناخودآگاه فرایندهای مزبور رخ می‌دهد؛ در حالی که سکولاریسم یا دنیوی‌گری یا اعتقاد به اصالت دنیا یک ایدئولوژی است. قائلان و مبلغان این ایدئولوژی آگاهانه از همه اشکال اعتقاد به امور و مفاهیم ماوراء طبیعی و وسایط غیردینی و ضد دینی به عنوان مبنای اخلاقی شخصی و سازمانی حمایت می‌کنند.»<sup>۱</sup>

### سیر تحول سکولاریزم

با مرور زمان و تحولات سیاسی و اقتصادی واژه سکولار در معانی و مقاصد جدیدی به کار رفت که به آنها اشاره می‌شود.

#### ۱- تفکیک و ترخیص کشیشان

از کریمنز نقل شده است که این واژه اولین بار در اواخر قرن سوّم برای توصیف آن دسته روحانیون به کار رفته است که گوشه نشینی رهبانی را به سمت زندگی در دنیا ترک می‌گفتند. آنان به عنوان «روحانی عرفی (secular)» درمقابل «روحانی رهبانی»

---

۱ - به نقل از علی ربانی گلپایگانی، ریشه‌ها و نشانه‌های سکولاریزم. ص ۲۰ و به نقل از علی ربانی گلپایگانی، نقد مبانی سکولاریزم، ص ۶. محمد حسن قدردان قراملکی، سکولاریزم در مسیحیت و اسلام. ص ۱۹ و بر این ر. ویلسون. فرهنگ و دین، مقاله جدا انگاری دین و دنیا، ترجمه دکتر مرتضی اسعدی، ص ۱۲۶.

شناخته می‌شدند. او می‌گوید که این اصطلاح در همان زمان برای تفکیک «دادگاه‌های عرف» از «دادگاه‌های کلیسایی» نیز کاربرد داشته است.<sup>۱</sup>

## ۲- معاهده و ستفالی (Westphali)

از کاربرد متأخرتر این واژه معاهده وستفالی است که در سال ۱۶۴۸ میلادی به کار رفت و مقصود از آن توضیح و توصیف انتقال سرزمین‌های تحت نظارت کلیسا به زیر سلطه اقتدار سیاسی غیر روحانی بود.<sup>۲</sup>

## ۳- تفکیک دین و سیاست

یکی از معانی شایع سکولار در جهان غرب جدا انگاری دین از قلمرو سیاست، حکومت و اجتماع است.

از ویلسون نقل کرده است که با پیشرفت علوم تجربی و عقلی و هم چنین ظهور نهضت رفورم (Reform) سکولاریزم در معانی دیگر نیز استعمال شد.

او می‌گوید این تعبیر در قرن بیستم که مفهوم مورد نظر فحواهای کلی‌تر از اجتماعی یافت، به معانی باز هم متنوع‌تری به کار رفت. جامعه‌شناسان از این اصطلاح برای نشان دادن مجموعه‌ای از جریان‌ات استفاده می‌کنند که طی آن عنان کنترل اجتماعی، زمان و امکانات، منابع و افراد از کف مقامات دینی خارج شده و روش‌ها و رویه‌های تجربی مشربانه و غایات و اهداف این جهانی به جای شعایر و نحوه عمل‌های نمادینی نشسته است که معطوف به غایات آن جهانی یا ما فوق طبیعی‌اند.<sup>۳</sup>

۱ - علی‌رضا، شجاعی زند، عرفی شدن در تجربه مسیحی و اسلامی، ص ۵۵ و محمد حسن، قدردان قراملکی، سکولاریزم در مسیحیت و اسلام، ص ۱۵.

۲ - علی‌رضا، شجاعی زند، عرفی شدن در تجربه مسیحی و اسلامی، ص ۵۶ و علی، ربانی گلپایگانی، ریشه‌ها و نشانه‌های سکولاریزم، ص ۲۰ و علی ربانی گلپایگانی، ریشه‌ها و نشان‌های سکولاریزم، ص ۴.

۳ - محمد حسن قدردان سکولاریزم در مسیحیت و اسلام، ص ۱۵.